

The scope of entry of the Islamic ruler in the privacy of individuals from the jurisprudential point of view

Abstract

Human dignity along with peace is one of the basic origins of the religion of Islam. Sovereignty is having such powers so that it can establish security and social justice in society.

Intrusion into privacy and the preference of public rights over the rights of individuals is permissible for rational and narrative reasons, but in some cases it is obligatory.

The main purpose of this study is to explain the mechanism in the Holy Sharia to protect and control public rights and the right of the Islamic ruler to enter the privacy of individuals at different times and places when needed and within the scope of the Holy Sharia.

Keywords: Islamic ruler, privacy, expediency, urgency, requirements for entry into public law

محدوده ورود حاکم اسلامی در حریم شخصی افراد از نظر فقهی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲

مهدی فاطمی^۱علی اکبر نوایی^۲عبدالکریم عبدالهی نژاد^۳**چکیده**

کرامت انسانی همراه با آرامش از خواستگاه های اساسی دین مبین اسلام است، در جامعه ممکن است عده ای هنجارشکن در سدد بهم ریختگی اجتماع و سلب آرامش مسلمانان باشند، حاکم اسلامی با رعایت مصالح و شرایط در حریم خصوصی افراد ورود پیدا کند، ضرورت ذاتی نهاد حاکمیت، داشتن چنین اختیاراتی است تا بتواند ضمن ایجاد امنیت، عدالت اجتماعی را نیز، در جامعه برقرار سازد.

ورود به حریم خصوصی و ترجیح حقوق عمومی بر حقوق افراد با رعایت مصالح به دلایل عقلی و نقلی جایز بلکه در برخی از موارد واجب است.

هدف اصلی این تحقیق تبیین مکانیزمی در شریعت مقدس برای حفظ و کنترل حقوق عمومی و حق ورود حاکم اسلامی در حریم خصوصی افراد در زمانها و مکانهای مختلف در هنگام نیاز و در محدوده شریعت مقدس است.

کلید واژه: حاکم اسلامی، حریم خصوصی، مصلحت، اضطرار، الزامات ورود به حقوق عمومی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه، مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. Mehdi_fatemi4@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه فقه، مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) aliakbar.nava@gmail.com

^۳ استاد، گروه فقه، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. abdolahi-k@um.ac.ir

حریم خصوصی یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر است که دولت‌ها و رسانه‌ها و ... از آزادی و استقلال افراد در قبال هم‌نوعان خود حمایت می‌کند. بحث حریم خصوصی به قدری گسترده است که نمی‌توان چند مورد را برای آن مشخص کرده و به طور دقیق بگوییم اینها از مصادیق حریم خصوصی است اما براساس نظریات کارشناسان معیارهای حریم خصوصی عرفی و شخصی می‌باشند و در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به حریم مادی «مشمول بر حریم مکانی و جسمانی و اموال» و حریم معنوی «حریم اطلاعات، ارتباطات و حیثیت اجتماعی» تفکیک نمود. در فقه اسلامی نیز که متکی به قرآن و سنت اهل بیت «ع» می‌باشد احترام به حریم خصوصی و اجازه ورود به آن مورد تاکید قرار گرفته شده است.

تبیین و اهمیت مساله

حریم خصوصی افراد از عمده مسائل حقوقی - اجتماعی است که الزاما به دلیل شخصی بودن در حصار محدود قرار می‌گیرد و فقط فرد می‌تواند در این محدوده به عمل پرداخته و اطلاعات مربوط به این حوزه در انحصار مطلق وی قرار می‌گیرد از این رو هیچ فردی نمی‌تواند به این محدوده ورود بیابد.

ورود افراد دیگر در این محدوده تحت عنوان تجسس و تعرض به حریم شخصی و ... مورد تحلیل قضاوت قرار می‌گیرد. ورود به این حوزه و حریم جرم محسوب شده و افراد متعرض باید پاسخگوی عمل خویش باشند. مسئله‌ای که در این خصوص قابلیت طرح دارد این است که آیا بنا به مصالح کلی (عامه جامعه اسلامی) اگر در موردی افرادی که در حریم خصوصی خودشان، مرتکب جرائم سنگین و مضر به کلیت نظام اسلامی و جامعه اسلامی شوند، حاکم اسلامی با اشراف‌های حاکمیتی که بر مجموعه قلمروهای نظام اسلامی دارد می‌تواند به این محدوده ورود یابد یا خیر؟ حقیقت اینست که در مصالح ملزمه‌ای وجود دارد که ورود حاکم اسلامی را بنا بر همان مصلحت عام و کلی جامعه اسلامی می‌تواند ورود یابد البته در صورتی که اعمال آن فرد یا افراد در حریم خصوصی خودشان بر روند کلی حرکت جامعه اسلامی مضر بوده و ضربه وارد کند. مثلا اگر فردی در حریم خصوصی خودش، کاری جاسوسی انجام می‌دهد، مصالح نظام را به دشمنان منتقل کند، یا توطئه نماید و یا مرکز فسادی راه بیندازد که قطعاً ورود حاکم اسلامی نه اینکه مجاز است بلکه حاکم اسلامی بنا به اختیاراتی که شریعت به وی داده است باید ورود یابد. بحث مهم دیگر در این رابطه این است که محدوده ورود حاکم اسلامی به حریم شخصی افراد چیست؟ آیا جاسوسی است؟ تعقیب و رصد جامعه اسلامی است؟ جمع کردن اطلاعات جهت ضربه زدن است؟ فساد است؟ یا دعوت به فساد است؟ و ... مسئله‌ای که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود اینست که محدوده ورود حاکم اسلامی در حریم شخصی افراد از نظر فقهی چیست و به چه میزانی می‌باشد؟

ضرورت و اهداف تحقیق :

- ۱- لزوم شناخت حیطه ورود حاکم اسلامی در حریم شخصی از دیدگاه فقهی
- ۲- آگاهی از مصالح عامه و کلی جامعه اسلامی به منظور ورود در حریم شخصی افراد
- ۳- آشنایی عموم سازمان‌ها با مصادیق حریم خصوصی
- ۴- آگاهی افراد از حقوق و وظایف خود در زمینه حفظ حریم خصوصی
- ۵- ارائه نظام منطقی عقلانی و فقهی از ساختار ورود حاکم اسلامی به حریم شخصی افراد

۶- الزام روشنگری افکار عمومی به منظور شناخت و آشنایی با رفتارها و عملکرد حاکم اسلامی که براساس مصالح عامه جامعه اسلامی می باشد.

۷- بررسی و نقد اولویت بندی میزان تاثیرگذاری مصلحت و اضطرار در شیوه ی ورود حاکم اسلامی براساس مصالح جامعه اسلامی به حریم شخصی شهروندان مسلمان

۸- آگاهی و اطلاع از ادله فقهی به حاکم اسلامی مجوز می دهد در حریم شخصی افراد ورود پیدا نماید و ترجیح حقوق عمومی بر حق فرد با رعایت موازین شرعی

۱. مفهوم شناسی

الف) مفهوم حریم خصوصی:

حریم خصوصی به لحاظ مفهوم لغوی از دو واژه حریم و خصوصی تشکیل شده است. حریم به معنای آنچه از پیرامون محدوده معقولی است که فرد انتظار دارد از دسترس دیگری مصون بماند، این دیگری می تواند هم دولت و حاکمیت باشد و هم اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر.

حریم در لغت از ریشه «حرم» است حرم به معنای محدوده، بازداشته شده، گرداگرد، دوروبر و اطراف است.

معانی گوناگون حریم متضمن مفهوم ممنوعیت و محدودیت است، از جمله کار ممنوع و حرام، هر چیزی که لمس کردن آن ممنوع است، جامعه ای که عرب عصر جاهلی پوشیدن آن را در حرم ممنوع می دانستند، هر فرد یا چیزی که در حمایت شخص است و برای آن حاضر است بجنگد مانند خانواده، دوست، شریک.

گرچه «حریم» اصطلاحی فقهی و حقوقی به معنای محدوده ای معین در اطراف برخی اموال غیرمنقول که برای بهره بردن کامل مالکان از آن اموال، از برخی تصرفات دیگران در آن محدوده منع شده است، و معنای اصطلاحی حریم در فقه و حقوق به مفهوم لغوی آن نزدیک و لذا به معنی لغوی «حریم» را اشاره می کنیم.

«در فرهنگ فارسی گاهی به معنای پیرامون و گرداگرد خانه و گاهی به معنای مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد آمده است و جمع آن احرام و حروم است». (معین، ۱۳۵۰، ج ۱: ص ۱۱)

در لغت نامه دهخدا «حریم» به این معنای آمده؛ بازداشت کرده، حرام کرده شد. که مس آن جایز نیست، چیزی که حرام باشد، و دست بدان نتوان کرد، چیزی که آن را حمایت کنند و جنگ کنند برای آن مانند شریک، گرداگرد حوض و چاه و دورو بر، حوالی، اطراف». (دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۱: ص ۱۴۵)

در فرهنگ رائد الطلاب چنین آمده است: حرام «حرم، حرمه، حریمه: ۱. الشئ: منعه اياه. ۲. حرمه رجل الدین: عاقبه علی خطیئه بمنعه من مشارکه المؤمنین حقوقهم». (جبران، رائد الطلاب، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳)

در کتاب فرهنگ عربی فارسی المورد چنین آمده است: «حریم: حرم- راجع حرم، حرم مقدس: جای مقدس، مکان مقدس، جایگاه مقدس». (روحی بعلبکی، فرهنگ عربی فارسی المورد، ص ۲۸۵)

در کتاب تاج العروس چنین آمده است: «والحریم: ثوب المَحْرَم و تسمیه العامه الاحرام و الحرام و الحریم: ماکان حقوقها و مراقبها و فی التهذیب: قصبه الدار و فناء المسجد». (زبیدی، تاج العروس، ج ۳: ص ۴۵۶)

^۱ حرم به معنی منع کردن کسی و مانع شدن از رسیدن به حقوق بخاطر خطا و اشتباه است.

^۲ حریم یعنی لباس شخص محرم و علت نامگذاری حریم چون در زبان عموم مردم یعنی حقوق عامه و منافع عمومی است.

در کتاب معجم مقاییس اللغة اینگونه آمده است: «حریم الشئى هی حقوقه و مرافقه، حریم الشئى، حوله من حقوقه و مرافقه سمى بذلك لانه بحریم علی غیر». (احمدین ناس رازی، معجم مقاییس اللغة، ج ۲: ص ۴۵)

حریم خصوصی، یکی از سنگ بناهای تحقق حقوق بشر در جامعه و یک نظام مردم سالار است جامعه به همان میزان که حق شهروندان را در مصون ماندن حریم شخصی آنها به رسمیت می‌شناسد، از حاکمیت نظام های تمامیت خواه و اقتدارگرا فاصله می‌گیرد. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، چه در قانون اساسی و چه در قوانین عادی بهطور صریح به حریم خصوصی و حق خلوت اشخاص اشاره نشده و تاکنون، قانونی که تمامی جنبه های حق خلوت اشخاص را فراگیرد، به تصویب نرسیده است.

ب) مفهوم مصلحت

مصلحت در لغت به معنای الصّاح و ضدّ الفساد، خیر و نیکی آمده است، و جمع آن مصالح است. جوهری (جوهری، ۱۴۰۷.ق، ۱/۳۸۳ و ۳۸۴)، ابن منظور (ابن منظور، ۱۴۰۷.ق، ۲/۵۱۶)، و مقرئ فیومی (فیومی، ۱۴۱۴.ق، ۱/۳۴۵) با اندک تفاوتی مصلح را به خیر تعریف کرده اند و گفته اند: «المصلحه ضدالفساد» و «استصلاح نقیض الاستفساد».

فخرالدین طریحی که کتاب مجمع البحرین خویش را به فهم واژه های قرآنی و روایی اختصاص داده در این باره می‌نویسد «صلاح با فساد متضاد است صلح در برابر تباهی است.» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۵) در المنجد فی اللغة آمده است «المصلحه ما یبعث علی الصلاح ما یتعاطاه الانسان من الاعمال الباعثه علی - نفعها و نفع قومه». (معلوف، المنجد فی اللغة، ص ۴۱۲)

مصلحت چیزی است که سبب صلاح میشود یعنی آن کارهایی که مایه نفع برای خود انسان و دودمانش میشود. مصلحت در اصطلاح عبارت است از: جلب منفعت و دفع ضرر.

غزالی مصلحت را چنین تعریف می‌کند: «مصلحت عبارت است از محافظت بر مقصود شرع، مقصود شرعهم برپایه این اصول قرارداد: حفظ دین، جان، نسل و مال مردم». (غزالی، ۱۳۲۲.ق، ج ۱: ص ۲۴۹)

بنابراین هرچه که در بردارنده حفظ و برپایی این اصول باشد، مصلحت است و هرچه از آنها بکاهد و موجب نقصی در آنها گردد، مفسده و جلوگیری از آن مصلحت است.

مصلحت انسان در جامعه اسلامی براساس ارزش‌های الهی سامان می‌یابد. در تعارض میان مصلحت های دنیایی چون لذت جویی و فایده گرایی با مصلحت های معنوی نظیر تقوا، خویش‌داری و ایثار، مشکل ترین و پیچیده ترین کار عقل در ارزیابی و الویت سنجی مصلحت هاست و تعالیم الهی در میان افراط و تفریط های موجود در اندیشه بشری راهی برای تعدیل میان این دو نوع مصلحت نشان می‌دهد.

امین مصالح عمومی و وظیفه مهم حکومت است. در نظام اسلامی «مصلحت عمومی» در چهارچوب مقاصد دین و موازین شریعت، مدار تمامی احکام حکومتی است. تدوین «فقه المصلحه» با متدولوژی اصول فقه شیعه، به منظور نظری کردن آراء امام خمینی در موضوع «مصلحت و نقش آن در احکام حکومتی» برای افزایش کارآمدی نظام و تثبیت مشروعیت آن ضروری است. در نظریه امام خمینی اختیارات ولایت فقیه و دولت اسلامی در وضع قوانین برای اداره جامعه فراتر از

^۲ حریم چیزی یعنی حقوق و اطراف آن چون آن حریم بر دیگری حرام است.

احکام اولیه و ثانویه به معنای مصطلح آن می باشد. در احکام حکومتی، رعایت مصلحت بر مبنای تشخیص عقل عملی و ملاکهای شرعی لازم است. تعریف مصلحت و حجیت آن در فقه شیعه با مصالح مرسله و استصلاح در فقه اهل سنت متفاوت است. حجیت عمل به مصلحت در احکام حکومتی مستند به مبانی فقهی و دلایل معتبر است.

تقسیمات مفهومی مصلحت

مصلحت از منظرهای گوناگون و بر محورهای مختلف تقسیم شده است که شناخت و تبیین هر یک برای فهم اختلافات موجود در نقش مصلحت در استنباط حکم شرعی و حکومتی مؤثر است:

۱- مصالح ضروری

مصالح ضروری مصالحی است که مقصود اصلی شریعت حفظ آنهاست که عبارت اند از: حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال انسانها. این مصالح از آن جهت ضروری اند که حیات بشری و سعادت زندگی دنیوی و اخروی انسان درگرو وجود آنهاست، به گونه ای که فقدان آنها موجب اختلال در نظام زندگی انسانی؛ می گردد، لذا حفظ این مصالح بر همه چیز مقدم است.

۲- مصالح حقیقی

مصالح حقیقی در برابر مصالح وهمی می آید و آن در جایی است که یک کار به طور حقیقی جلب منفعت یا دفع ضرری نماید و تشریح حکم طبق آنها به مصلحت و نفع شخص و یا جامعه باشد؛ مانند الزام به ثبت رسمی معاملات مربوط به زمین در اداره ثبت و اسناد که باعث کاهش دعاوی مربوط به زمین می گردد و نوعی امنیت و ثبات در معاملات ایجاد می کند.

۳- مصالح شخصی (مصالح فردی)

مصالح شخصی در برابر مصالح عام قرار دارد و عبارت است از مصالح مربوط به افراد یا گروه های خاص، در برابر مصالح مربوط به عموم یا بیشتر افراد جامعه. در مصالح مرسله آنچه واجب است رعایت مصالح عموم است و در تعارض میان مصلحت اشخاص و مصلحت عموم، مصلحت اشخاص نادیده گرفته می شود مانند اینکه اگر خانه شخصی در مسیر خیابانی که برای عموم مردمان شهر لازم است قرار گیرد، مصالح جامعه مقدم می گردد و منزل وی تخریب می شود.

۴- مصالح تحسینی

مصالح تحسینی نوعی از مصالح هستند که رعایت آنها، بهبود و بهتر شدن زندگی را در پی دارد، ولی عدم رعایت آنها باعث سختی و دشواری در زندگی انسان نمی شود؛ مانند به دست کردن انگشتر و استعمال بوی خوش، کهنه وجود آنها برای زندگی انسان ها ضرورت دارند و نه سبب رفع مشقت و حرج می گردند. (نظرزاده، ۱۳۹۲، ش ۱)

منابع تشخیص مصلحت عبارتند از کتاب، سنت، عقل و اجماع

منبع تشخیص مصلحت عبارت از عامل تعیین کننده ای است که سودمندی را در یک پدیده و یا عمل و گفتار انسانی مشخص می سازد و می توان از آن به عنوان عامل یا پایگاه شناخت مصلحت نیز یاد نمود، و از آنجا که مصلحت همواره امری جزئی (موردی) نسبی و ناپایدار است، از شناخت آن به تشخیص، تعبیر می شود. مصلحت براساس ضوابطی تشخیص داده می شود که معمولاً از منابع خاصی به دست می آید. این منابع عمده تشخیص مصلحت عبارت اند از: ۱. شرع، ۲. عقل، ۳. علم، ۴. تجربه، ۵. عرف.

جایگاه مصلحت از دیدگاه فقه شیعی در استنباط سه صورت اساسی دارد:

اول، هرگاه مصلحتی خودش موضوع حکم شرعی باشد (علت حکم)، واضح است که با از بین رفتن آن مصلحت، حکم آن نیز منتفی می‌شود و هرگاه دوباره آن مصلحت محقق شود، حکم آن نیز فعلیت می‌یابد؛ اما این انتفا یا پیدایش حکم در مرحله فعلیت است، نه در مرحله جعل شرعی (در موضوعی اعنوانی که حکم شرعی وجود داشته باشد). براین اساس، حکم شرعی اسلام هیچ تغییری نمی‌کند و همواره این موضوع دارای آن حکم است، چه موضوعش تحقق یابد، چه منتفی گردد.

دوم، در فقه شیعی حاکم اسلامی می‌تواند براساس مصالح زمانه، حکمی ولایی برخلاف حکم ثابت یک موضوع جعل کند؛ ولی این حکم حکومتی به هیچ وجه حکم ثابت آنرا تغییر نمی‌دهد؛ به عبارت دیگر، در فقه شیعی، مصلحت یکی از مصادر حکم حکومتی است، نه حکم شرعی. (نظیر حکم حکومتی حضرت علی (ع) بر اخذ زکات از اسب در جنگ صفین).

سوم، بسیاری از موارد تعارض احکام شرعی (تکلیفی یا وضعی) با احکام حکومتی، از باب تزامم در مقام اجرا و امتثال است. در این موارد حکم حاکم مشروع براساس مصلحت یا براساس اولویت دادن به مصلحت برتر یا اهم، تعیین کننده امتثال حکم یک طرف تزامم خواهد حکم «تعطیلی حج در صورت ترتب انجام آن بر تضعیف نظام اسلامی» شد، در مثال مشهور حاکم در هنگام تزامم میان مصلحت انجام امر واجب حج برای مکلفین با مصلحت حفظ اقتدار و تمامیت نظام اسلامی بر تعطیلی حج، به دلیل اهمیت برتر مصلحت حفظ نظام تعلق می‌گیرد؛ در حالیکه هیچ یک از مصالح فوق تغییر نکرده است و حکم حاکم نیز به تغییر حکم اولی شرعی و خوب حج تعلق نگرفته است. به طور کلی تدبیر امور جامعه و حکومت مبتنی بر مصلحت می‌باشد و مصالح کلی انسان و جامعه نیز متخذ از مقاصد و اهداف کلیدی است.

۳. ضرورت ورود حاکم اسلام اسلامی به حریم خصوصی با معیار مصلحت

انسان به حکم طبیعت و سرشت باید دارای حریم خصوصی برای خود باشد و از آن محافظت نماید. حریم خصوصی از مفاهیم مهم در حقوق مدرن و به معنای محدوده خاص هر شخص است که دیگران نمی‌توانند در آن محدوده وارد شوند و یا متعرض آن گردند. حریم خصوصی می‌تواند در سطوح متعدد مورد توجه قرارگیرد. گاه مراد از حریم خصوصی سطح کاملاً شخصی آن است که حتی زن و فرزندان به عنوان نزدیک‌ترین اشخاص به وی نمی‌توانند به آن نزدیک شوند. حق داشتن یک زندگی خصوصی، به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان، ارتباط عمیقی با حفظ شأن، کرامت، شخصیت، استقلال فردی، توسعه روابط شخصی، گسترش صمیمیت و امنیت روانی پایدار و حاکمیت بر احساسات و افکار و دیگر ارزش‌های مهم انسانی دارد. دوران معاصر عوامل زیادی حریم خصوصی افراد را تهدید می‌کنند، مانند دولت‌ها، بخش خصوصی، فناوری جدید و توسعه روزافزون جامعه مجازی که بیش از پیش موجب کم‌رنگ شدن حریم خصوصی در زندگی افراد شده و دفاع قانونی از آن را به مراتب دشوارتر نموده است. فناوری‌های معاصر با افزایش قدرت گردآوری اطلاعات تهدیدهای جدی را برای حریم خصوصی افراد ایجاد کرده است.

فلسفه حکومت کردن، هدایت نمودن کشتی اجتماع به ساحل مقصود است. در این راستا ناخدا و ملوانان و خدمه و... همراه کشتی در مسیری واحد و هدفی معین در حرکتند و همگان در خدمت ناخدای کشتی که فردی ماهر، توانا، دلسوز، راه‌شناس و موج‌شناس است، هستند و از او اطاعت می‌کنند. (نویسی، ۱۳۷۸، ش ۱۸)

همچنین اسلام ماهیتی حکومتی دارد که بجز با تشکیل حکومت و تنظیم نظام حکومتی، قابل اجرا نخواهد بود؛ لذا در تنظیم نظام اجتماعی، اندیشه اسلامی معتقد به برقراری حکومت اسلامی است و بجز آن، رضایت نمی‌دهد و این امری ثابت، قطعی و تخلف ناپذیر است. این مسأله نیز امری ثابت است که خداوند متعال، حاکمیت و ولایتش را از مجرای خاص اعمال می‌کند. مصلوب و مجرای این امر، تعیین حاکمی از میان توده‌های مردم است که مردم هم او را به رسمیت بشناسند و مورد پذیرش آنان باشد؛ یعنی در واقع، کارآمدی این ولایت و حاکمیت جنبه مردمی دارد، ولی معیارها، ضوابط و تعیین آن از سوی شریعت و خداوند است؛ یا به نصب الهی و یا به بیان شرایط و خصوصیات.

تعیین حاکم، اختصاص به اندیشه دینی و اسلامی ندارد، بلکه انسانها در طول تاریخ، طبق سیره حاکم بر جوامع، پیوسته به تعیین حاکم، زمامدار و ... پرداخته‌اند و زعامت و رهبری جامعه خویش را به آنان سپرده‌اند این قضیه از زندگی‌های بسته خصوصی آغاز شده و تحت عنوان، ولایت آباء و اجداد و اوصیا و همسر بر همسر خود و بر فرزندان، ولایت و کلا بر امور موکلان در حیطه امور وانهاده شده به آنان، تشخیص یافته تا به جوامع گسترده و باز رسیده است که در آنها شیخ قبيله، مهتر قبيله و... چنین ولایتی به او سپرده شده است. بنابراین، ولایت، زعامت و حاکمیت امری قطعی، همیشگی و سیره مستمری در طول تاریخ بشر بوده است. (همان)

۴. دلیل عقلی و نقلی جواز ورود حاکم اسلامی به حریم خصوصی افراد

واگذاری اختیارات به حاکم جامعه، یک اصل طبیعی است. طبیعی بودن این اصل، هنگامی بهتر فهمیده می‌شود که از اولین هسته انسانی (خانواده) آغاز نموده، تا به عالیترین و مهمترین هسته (حکومت) برسیم: «پدر و مادر، لازم است که از این اختیار برخوردار باشند؛ زیرا محاکم عمومی نمی‌توانند دخالت و قضاوت حقه‌ای در مورد موضوعات خصوصی از قبیل تعلیم و تربیت و انضباط کودکان داشته باشند. بنابراین، اگر اقتدار و اختیار لازم از پدر و مادر سلب شود، فقدان آن را چیز دیگری نمی‌تواند جبران کند و کودکان، که از پدر و مادر خود ترسی نداشته باشند، به طریق اولی از خدا هم نمی‌ترسند و به لحاظ اجتماعی و فردی بی‌نظم بار خواهند آمد.» (و.ت، جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رابین، ج ۲، ص ۶۴)

اختیاراتی که پدر و مادر دارند، یک اصل طبیعی است و هرگز جنبه قراردادی و اعتباری ندارد؛ همین‌گونه است در مورد بسیاری از حوزه‌های اجتماعی در قلمروهای مختلف در واقع «حاکمیت، آن عنصر اصلی است که یک اجتماع سیاسی را از سازمان های دیگر جوامع بشری ممتاز می‌سازد.

«بنابراین، وجود اختیارات برای حاکم، همچون اختیارات برای رئیس خانواده، یک اصل طبیعی است:

حاکم اسلامی می‌باید در اعمال مسأله نظارت، چند امر را مورد توجه قرار دهد:

۱- نظارت، بر مبنای درایت باشد.

۲- در نظارت، قاطعیت داشته باشد

۳- همگام با نظارت، ارشاد و هدایت کند.

۴- در هنگام لزوم، عزل و نصب نماید.

۵- بتواند افراد را در کاستی هایشان توبیخ نماید و...» (نوایی، نظریه دولت اسلامی، ص ۲۸۲)

عقلانی بودن اختیارات

برخورداري حاکم از اختيارات علاوه بر ضرورت طبيعي از ضرورت عقلائی هم برخوردار است یعنی عقل در یک تحلیل و جمع بندی درباره نهاد حاکمیت چنین حکم می‌کند و نهاد حاکمیت اختیاراتی را لازم دارد تا بتواند چند امر اساسی را سامان دهد مانند مساله امنیت، ایجاد نظم عادلانه، اجرای قوانین به منظور حیات اجتماعی و اجرای حدود در همه ازمه و برای همگان به عنوان مثال دیدگاه مرحوم آیه اله خویی در زمینه اجرای حدود: «ان اقامه الحدود انما شرعت للمصلحه العامه و دفعا للفساد و انتشار الفجور و الطغیان بین الناس و هذا لافی اختصاصه بزمان دون زمان». (خویی، ج ۱، ص ۲۲۴)

حریم خصوصی، قلمروی از زندگی شخصی هر فرد است که نباید بدون رضایت و اذن در آن وارد شد. لزوم احترام به حق حریم خصوصی افراد در فقه امامیه و حقوق اسلامی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به برخی از مصادیق حریم خصوصی اشاره شده است. با بررسی ادله فقهی و نیز مواد قانونی به حرمت و ممنوعیت نقض حریم خصوصی می‌بریم اما در صورت تراحم مصلحت فردی با مصالح اجتماعی و با تشخیص حاکم و مجوز قانونی امکان ورود به حریم خصوصی با رعایت ضوابط وجود دارد.

ترجیح‌بند بحث از حق حریم خصوصی آن است که این حق از حقوق بنیادین بشری است و تفاوت‌های جغرافیایی، ملیتی، عقیدتی و ... در اصل شناسایی این حق تردیدی ایجاد نمی‌کند. حریم خصوصی قلمروی از زندگی شخصی هر فرد است که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند. تعالیم فقه امامیه و حقوق اسلامی اهتمام ویژه‌ای در لزوم احترام به حق حریم خصوصی افراد و پرهیز از ورود به آن دارد. فقهای امامیه متناسب با موضوعات مختلف، به لزوم رعایت حریم خصوصی افراد فتوا داده‌اند و جز در موارد خاصی ورود به خلوت و حریم خصوصی افراد را جایز ندانسته‌اند. برای مثال می‌توان به فتوای صریح آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره کرد. ایشان می‌فرمایند: «ورود به حریم خصوصی اشخاص بدون اجازه، شرعاً جایز نیست، اگر چه عنوان تجسس بر آن منطبق نباشد و گرفتن فیلم و عکس و مانند آن به صورت مخفیانه شرعاً حرام و انتشار آن حرام دوم است.»

در سیره اهل بیت «ع» به موارد زیادی برخورد می‌کنیم که حضرات معصومین در حریم خصوصی افراد با رعایت مصالح ورود پیدا کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در برخی از روایات اهل بیت تحت عنوان «عین» مأموران مخفی را مقرر می‌کردند از امام هشتم نقل شده که هرگاه پیامبر سپاهی را برای مأموریت می‌فرستاد و فرماندهی برای آن تعیین و نصب می‌کرد «برخی از افراد موثق و مورد اعتماد خود را مخفیانه برای گزارش از رفتار آن فرمانده می‌گماشت». (حرعاملی، ج ۱۱: ص ۴۴)

و همچنین در امور عادی نیز گاهی اهل بیت به حریم خصوصی افراد ورود پیدا می‌کردند مانند استراق سمع امام زین العابدین در هنگامی که به او خبر دادند که همسرش شیبانی از خوارج می‌باشد «امام در گوشه‌ای از منزل پنهان شد پس آن مرد با همسر امام مشغول صحبت شد آن زن (همسر امام) در ضمن سخنان خود حرفهایی زد که برای امام آشکار شد و آنگاه امام او را طلاق داد». (همان، ص ۴۲۵)

و یا در مورد تفتیش بدنی علی «ع» و زبیر از زنی که مشرکان مکه بود و به عنوان جا سوس به مدینه آمده بود و حاطب بن ابی بلتعه نامه‌ای مخفی به او داده بود تا وضعیت مسلمانان را به مشرکان مکه خبر بدهد و آن زن نامه را در میان موهای خود مخفی کرده بود که در ذیل آیات سوره ممتحنه به آن اشاره شده است.

۵. رعایت موازین اسلامی ورود به حریم خصوصی

ورود به منزل غیر بدون استیذان فقط از جهت تصرف و نظائر آن مشمول حرمت و ممنوعیت نیست. چه بسا صرف ورود فیزیکی شخص نیز از لحاظ حقوقی مجاز باشد. یعنی از لحاظ حقوقی امکان دسترسی و صرف ورود فراهم باشد ولی به لحاظ جنبه‌های دیگر ممنوعیت و حرمت وجود دارد. به عبارت دیگر در منع ورود به منزل غیر دو حرمت وجود دارد: یکی از نظر فیزیکی و دیگری از نظر معنوی یا حریم خصوصی.

از ادله احکام در فقه امامیه اهمیت حفظ حریم خصوصی اشخاص از طریق منع ورود بدون اجازه قبلی از صاحب خانه، قابل استنباط است. از آیات قرآن منع ورود به منزل غیر و حرمت آن استنباط می‌گردد:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ، فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ، لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ.»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل خانه سلام کنید این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید! و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید این برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (ولی) گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیرمسکونی بشوید که در آن متاعی متعلق به شما وجود دارد و خدا آنچه را آشکار می‌کند و آنچه را پنهان می‌دارد، می‌داند.» (نور/۲۷-۲۹)

در آیه شریفه می‌بینید که صراحتاً نهی از ورود به خانه‌های غیر شده است مگر با اجازه و در صورت عدم حضور صاحب خانه حق ورود نداریم.

۲. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْإِهْلَاءِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَن تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتَىٰ الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَأَتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛

درباره «هلال‌های ماه» از تو سؤال می‌کنند بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است.» و (آن چنان که در جاهلیت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از درِ خانه وارد نمی‌شدند، و از پشتِ خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از درِ خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید.» (بقره/۱۸۹)

همانگونه که مشاهده می‌کنیم دستور صریح آیه ورود به خانه‌ها از درب است و پرواضح است هست که درب همیشه مفتوح نیست و اجازه و رضایت صاحب خانه یک امر مفروغ عنه است.

۳. علاوه بر منزل خلوتگاه شخصی نیز در آیات قرآن به عنوان حریم خصوصی تلقی گردیده است. اسلام برای تنظیم روابط اجتماعی به نحو صحیح و پیشگیری از نقض حریم و تبعات ناشی از آن به ویژه از لحاظ تربیتی در محیط خانه مقرراتی وضع نموده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ، وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیم روز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، بعد از نماز عشا این سه وقت خصوصی برای شماست. اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است!، و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند، اینگونه خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است.» (نور/۵۸-۵۹)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، این دستور حتی در مورد محارم نزدیک و در محیط خانه مُجزا است. بردگان و اطفال و کودکان گرچه جزء اهل بیت و محارم انسان هستند در حریم خصوصی بدون اجازه حق ورود ندارند و به عبارت دیگر حریم خصوصی خانه فرد (زن و شوهر) باید حفظ شود.

۶. موارد مخصوص ورود حاکم اسلامی به حریم خصوصی افراد

امور شخصی شهروندان، حیثه «اعمال قدرت داخلی لازم الرعایه» برای زمامداران جامعه اسلامی را معلوم می‌سازد و تعرض به این حریم تا ضرورت حکومتی و مصالح عمومی اقتضا ننماید و حفظ حریم خصوصی افراد در تعارض با تأمین و تحکیم صلاح و فلاح اجتماع واقع نگردد، برای حاکمان جایز نخواهد بود.

امروزه این حق مصونیت از تجسس، شکل‌های دیگری نیز به خود گرفته است. بازرسی نامه‌ها، فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی، استراق سمع از جمله اموری هستند که می‌توانند امنیت خصوصی افراد را مورد تهدید قرار دهد و اسرار خانوادگی آنان را برای دیگران افشا نماید. نکته‌ای که در تکمیل مسأله ممنوعیت تجسس می‌توان عنوان نمود این است که بازرسی و یا انتخاب «عیون» یعنی کسانی که نقش سرویسهای اطلاعاتی را بازی می‌کرده‌اند گرچه در نظام حکومتی امیر مؤمنان وجود داشته است اما بکارگیری آنان در جهت نظارت بر کارکرد کارگزاران صورت می‌گرفته است. تعبیر «وَأَبْعَثَ الْعُیُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ» در همین نامه و یا نامه ۳۳ در مورد مأموران اطلاعاتی حضرت و گزارشهای آنان در مورد اوضاع حاکم بر منطقه مأموریت خود و والیان و کارگزاران و فعالیت دشمنان می‌باشد نه مردم. البته تجسس در مواردی که احتمال و امکان توطئه در محفل‌های خصوصی و خانه‌های تیمی وجود داشته باشد مطابق قانون در همه نظامهای حقوقی دنیا مجاز شمرده شده است.

حکم پیامبر اکرم (ص) در قضیه سمره بن جندب از مهمترین نمونه‌های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه‌های مردم دلالت می‌کند. سمره بن جندب در خانه یکی از انصار یک نخل داشت که برای سرکشی به آن، بدون اذن صاحبخانه وارد منزل می‌شد. مرد انصاری که پس از چند بار اعتراض به این امر، راه به جایی نبرد شکایت نزد پیامبر برد. پیامبر اسلام از سمره خواست که بدون اذن وارد منزل انصاری نشود، ولی وی قبول نکرد. پیامبر از وی خواست که از نخل خود در منزل انصاری صرف نظر کند و نخل دیگری، حتی چند نخل دیگر در جای دیگر به جای آن دریافت کند، ولی سمره نپذیرفت. پیامبر مجدداً به سمره اعلام کرد که اگر از نخل در این دنیا بگذرد به جای آن در آخرت نخلهای دیگری به وی خواهد داد، ولی این بار هم سمره قبول نکرد. در پایان پیامبر اسلام برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری فرمودند که «لاضرر و لاضرار فی الاسلام». لذا به مرد انصاری اعلام کردند که «برو درخت را بکن و در مقابل وی (سمره) بینداز». (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۳: ص ۱۰۳)

۷. الزامات ورود حاکم اسلامی مانند الزامات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی

در ابتدا می‌توان حکومت را به طور ساده این گونه تعریف کرد: ارگان رسمی که بر رفتار های اجتماعی افراد جامعه نظارت داشته، و سعی می‌کند به رفتار های اجتماعی مردم جهت بخشد. اگر مردم از راه مسالمت آمیز، جهت دهی را پذیرا شدند که خوب و گرنه حکومت با توسل به قوه قهریه اهدافش را دنبال می‌کند، یعنی اگر کسانی از مقررات وضع شده که برای رسیدن به هدف مورد نظر حکومت لازم است، تخلف کنند با کمک دستگاه های انتظامی مجبور به پذیرفتن مقررات می‌شوند، که این تعریف شامل حکومت های مشروع و نامشروع می‌شود. حکومت برای بشر یک امر ضروری عقلی است، زیرا اجتماع بدون حکومت، موجب هرج و مرج می‌شود، و این حکومت است که تنظیم کننده امور فرد، و اجرا کننده حدود و حقوق، تامین کننده عزت و استقلال جامعه انسانی و یا توسعه و تکامل علوم و فنون بشری است و این مطلب از امور بدیهی است. در اسلام نیز وجود حکومت به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای جامعه مورد تصدیق قرار گرفته و برای آن چاره جویی شده است.

یکی از چالش های مهم در ساماندهی به اقتصاد کشور و مبارزه با مفاسد اقتصادی در راستای تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی بحث شفافیت اطلاعات مالی مسئولین کشوری است؛ که عدهای با طرح ممنوعیت ورود به حریم خصوصی و حرمت شرعی تجسس در پی سنگ اندازی در تحقق این امر بسیار ضروری و مهم شده اند. حال آنکه در نظام فقهی حقوق اسلامی، برای انتخاب کارگزاران تجسس از احوال و ویژگی های آنها نه تنها جایز بلکه بالاتر به حکم عقل و شرع واجب است، البته تا حدی که لازم است و منصبی که برای آن فرد اختیار میشود، ایجاب میکند. حال سؤال این است که آیا پس از گزینش و دقت نظر همراه با تجسس از تمام ابعادی که در منصب او واجب بوده است، اکنون باید او را رها نمود، یا اینکه پس از گماشتن او بر سر کار نیز باید با دقت نظر تمام اعمال او را مورد مراقبت به واسطه تجسس قرارداد و بازرسی نمود؟ به حکم عقل و شرع هر فرد که به عنوان کارگزار دولت (اسلامی) گماشته می‌شود، باید کمال مواظبت و بازرسی شود و تمام اعمال او توسط عیون حاکم نظاره گردد تا مبادا کاری کند که نظام مختل گشته و تظلم به مردم صورت گیرد. بر مدعای خود به قرار زیر می‌توان از ادل احکام در فقه امامیه استدلال آورد:

نظارت یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است که در موارد خاصی جایز شمرده شده است. امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجبات است و یکی از مصادیق عملی امر به معروف و نهی از منکر زیر نظر گرفتن اعمال کارگزاران دولت و تجسس از چگونگی عملکرد آنهاست و مقابله عملی با منکرات از وظایف حکومت و دولت اسلامی است.

بی شک مسأله تجسس از حریم خصوصی افراد، رکن اصلی اداره اطلاعات و استخبارات حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد و نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت اقتصادی و سیاسی کشور را دارد.

۸. نتایج و آثار ورود آمیخته با مصلحت حاکم اسلامی در حریم خصوصی همانند رهیافت های سیاسی فرهنگی امنیتی اقتصادی اجتماعی

حاکم اسلامی در موارد بسیاری می‌تواند در راستای مقاصد حکومت اسلامی به تجسس از حریم خصوصی افراد بپردازد. البته باید گفت که منظور از حاکم کسی است که در احکام اسلامی به درجه اجتهاد رسیده و در فهم قواعد کلی و تطبیق آن بر مصادیق توانمند و به عبارت دیگر مجتهد باشد. بر این اساس است که برخی فقها معتقدند، فردی که

ریاست امنیت حکومت اسلامی را بر عهده می‌گیرد، واجب است که انسان خبیر، متدبر و مجتهد نسبت به احکام اسلام و شئون سیاسی زمان باشد.

بر حاکم اسلامی ایجاد فضای قسط و عدالت واجب است، چه آنکه اساساً از جمله حکمت‌های تشریح و برپایی شرایع الهی قسط و عدل است. بر این اساس حاکم اسلامی در مسیر ایجاد حکومت عدل مطلوب باید به وسیله تقصد و تجسس از احوال رعیت و اهالی تحت ولایت و حاکمیت خود از احوال و امور زندگانی آنها آگاه باشد. حتی اگر خود قاصر از سرکشی از احوال آنهاست، وسایطی و روابطی را قرار دهد. چنانکه بیان شد حفظ نظام واجب است و از ادله احکام در فقه امامیه بر وجوب آن دلایل عقلی فراوانی وجود دارد؛ که بدان اشاره شد و عدم رسیدگی به احوال محرومان جامعه و به طور کلی تمام افراد جامعه اسلامی باعث ایجاد هرج و مرج و نارضایتی مردم و به دیگر سخن اختلال در نظام اسلامی می‌گردد و نظام اسلامی را به مخاطره می‌اندازد. در این راستا و با این هدف حاکم اسلامی می‌تواند، به تجسس از احوال افراد تحت سلطه خود بپردازد تا مبادا عدم اطلاع از شئون افراد موجب اختلال در نظام گردد.

۹. نتیجه گیری

۱. رعایت و احترام به زندگی خصوص افراد، یکی از آزادی های بنیادین محسوب می شود که از مفاهیم نظام حقوقی اسلامی و بین المللی است.
۲. حاکم اسلامی می تواند با رعایت اصول اخلاقی و مصلحت و عدالت برای ایجاد نظم اجتماعی و امنیت جامعه در حریم خصوصی افراد ورود پیدا کند که سیره معصومین نیز مؤید این نکته است.
۳. اساساً برقراری نظم، عدالت اجتماعی، امنیت ملی و ... مقتضی ورود حاکم اسلامی در حریم خصوصی افراد است.
۴. یکی از خاستگاه های مهم قرآن و عترت پوشاندن اسرار عموم مردم و رعایت حقوق خصوصی افراد جامعه است.

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
۳. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۶ق
۴. از صاری، حمید، مبانی فقهی دیدگاه امام خمینی در اعتبار ملاک مصلحت در فقه سیاسی اسلام، نشریه متین، بهار ۱۳۸۷، دوره ۱۰، ش ۳۸
۵. بگلدلی، علی و علی اکبری بابوکانی، احسان، بررسی فقهی و حقوقی ورود دولت به حریم خصوصی، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۳۹۶، ش ۱۳
۶. جبران، مسعود، رائد الطلاب، انتشارات یادواره، ۱۳۸۹
۷. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، نشر آل البيت، ۱۴۱۴.ه.ق
۸. حسینی خامنه ای، سید علی، آزادی از نظر اسلام و عرب، اندیشه حوزه، ۱۳۷۷، ش ۱۴
۹. خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، بیروت، نشر دارالزهراء، ۱۴۴۰.ه.ق
۱۰. دانش پور، افتخار، دو فصلنامه علمی و پژوهشی فقه مقارن، ۱۳۹۵، سال ۴
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۲
۱۲. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، انتشارات دارالفکر بیروت، ۱۴۱۴.ه.ق
۱۳. ساریخانی، عادل، موسوی سیدمحمد، قلم و پوشش و حریم خصوصی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۳۹۰، ش ۴
۱۴. صدوق، محمدبن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸
۱۶. غزالی، محمدبن محمد، المستصفی، بیروت، ۱۳۲۲.ه.ق
۱۷. نظرزاده، عبدالله، مصلحت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و حکومتی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالی، ۱۳۹۲، ش ۱
۱۸. نوایی، علی اکبر اختیارات حاکم اسلامی، اندیشه حوزه، ۱۳۷۸، ش ۸
۱۹. نوایی، علی اکبر، فقه و اجتهاد حکومتی، مشهد، نشر حوزه علیمه خراسان، ۱۳۹۹ش
۲۰. نوایی، علی اکبر، نظریه دولت اسلامی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۹ش
۲۱. وت.جون، خداوندان اندیشه سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۱